

شهید حسینی کامکاری



از تبار علی
سازمان جامع سرداران و هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	کرم
تاریخ تولد	۱۳۳۷/۱۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۲/۱۰
محل شهادت	خرمشهر
مسئولیت	فرمانده گروهان
نوع عضویت	پاسدار
شغل	پاسدار
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	بوشهر

زندگینامه

بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت مرگ نیست تحول است از این جهان به جهان دیگر. (آیت الله طالقانی)

زندگینامه : شهید حسین کامکاری

برادر شهید کامکاری در سال ۱۳۷۷ در روستای چاهخانی از توابع بوشهر پا به عرصه وجود نهاد وی از همان کودکی تحت تربیت صحیح اسلامی قرار گرفت وی شش ساله بود که راهی مدرسه شد. و تا کلاس پنجم دبستان در زادگاهش تحصیل کرد وبعد از آن به بوشهر عزیمت نمود و نزد برادرش زندگی میکرد. برادر شهید حسین کامکاری یک از شیفتگان مکتب سرخ تشیع بود از همان نوجوانی فرایض دینی خویش را انجام می داد و در نماز جماعت مساجد شرکت می کرد و فردی مکتبی ومومن و عاشق اهل بیت بود و در مراسم عزاداری برای امام حسین نوحه خوانی و سینه زنی شرکت می کرد با شروع انقلاب چون به حقانیت راه امام و مکتبی بودن راه وی ایمان داشت و هدفش پیشبرد مکتب حیات بخش اسلام بود بخیل رزمندگان ، مجاهدان و شیفتگان راه امام پیوست وبا شرکت خود در سخنرانی و تظاهرات ، و بخش اعلامیه ، میتینگها و پخش واز سخنرانی امام گامهای مثبت در جهت پیروزی انقلاب اسلامی برداشت و برآستی که زندگیش سراسر فریاد بود مبارزه قیام بود حرکت ایثار بود از خود گذشتگی بعداز پیروزی انقلاب نیز برای پاسداری از انقلاب اسلامیمان و برای تداوم راه خونین شهدا □ و عینیت بخشیدن به آرمان مقدس آنان به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمده وبه صف یاران حسین زمانمان پیوست . و حسین کامکاری برآستی حسینی زندگی کرد. حسین وار با یزیدیان در نوردید. و لبیک گوی ندای (هل من ناصرینصرنی) حسین زمانمان خمینی گیر بود وی در مدتی که در سپاه بود عاشقانه در وجه رضای الله وبرای دین خدا از کسی یاری نمیخواست و موارد با ندای احیا □ گرانه سر میداد (الهی و ربی من لی غیرک) برآستی مگر عاشق ما تاکی میتوان دور از معشوق نگه داشت و تا کی میتوان او را در این زندان دنیا اسیر ساخت . و انسانی را بزرگ چون حسین عشق در روحش پیدا شده دیگر جهان گنجایش روح بزرگ و متعال او را نداشت وباید پرواز کند وی در لباس مقدس سپاه تا آن زمان روح در بدنش بود و پاسدار صدیق اسلامی بود ارزشهای خدایی والهی بود وی بعد از مدتی که از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می گذشت تاب نیاورد. که متجاوزین وارد خاک کشورمان شوند و بخواهند انقلاب اسلامی ما را به نابودی و سقوط بکشند وبدین جهت برای پاسداری از انقلاب خونینمان رهسپار کربلای خونین شهر شد و دلاورانه با بعثیان نبرد کرد تا در حمله فتح المبین دفتر زندگی سراسر حماسه وار و با صدامیان کافر بسته شدو سند افتخاری افتخاری بر افتخارات امت اسلامی سرود.

والسلام

روانش شاد و راهش مستدام باد

وصیت نامه

بسمه تعالی

وصیت نامه شهید حسین کامکاری

بسم الله الرحمن الرحيم

با نام خدای بزرگ وصیت نامه خود را می نویسم

لو انزلنا القرآن علی جبل الرايته متصدعاً من خشیه الله و تلك الامثال نضربها الناس لعلهم یتفکرون

و ای رسول ما آگر ما این قرآن عظیم الشان را بر کوه نازل می کردیم مشاهد میکردی که کوه از ترس خدا خاشع و ذلیل و متلاشی میشد و این مثال را برای مردم بیان می کنیم باشد که اهل عقل فکر کنند.

آیا چه دل سنگ و مهر خورده ای است که از این آیه بدنش بلرزه در آید . براستی اگر نمی لرزید همان کسانی هستید که مهر قهر ظلمت خدا بردهان شماست، مردم شهید پرور و مسلمان ایران گوش به فرمان ولایت فقیه باشید که گشتی نجات شماست، گوش به فرمان امام بزرگوارمان باشید که اوست که میتواند شما را رهبر باشد. بفکر آخرتتان باشید آیا توشه ای برای آخرت جمع کرده اید . مگر کسی که به مسافرت می رود با دست خالی می رود آنها چه مسافرتی ، ملاقات با خدا ، با پیامبران ، امامان. آیا با دست خالی شرمند نخواهید شد؟ در جواب خدا چه حرفی دارید؟ آیا می گوئید نمی دانستم ، مگر کسی به شما نگفت ، آیا محکوم درگاهی الهی نخواهید شد ، چرا آنموقع دیگر پرونده شما پیش خداست، اوست که از درون شما اطلاع دارد تا دیر نشده مانع هائی که در راه شماست از میان بردارید. خدا می فرماید که ای بنده پاک من ، من تو را دوست دارم . تو هم مرا دوست بدار، آیا چه دل سنگ و فولادی است که از این صحبت خدا بازهم نافرمانی خدا کند ، در پایان از پدر و مادر و خواهر عزیزم میخواهم که خط امام را تا آخرین لحظه راها نکنند.

از همسرم میخواهم که در بخش تعاون سپاه تا آخرین لحظه خدمت کند.

لطفاً مرا در ردیف قبر برادرم عباس به خاک بسپارید.

به امید ملاقات با همه دوستان در روز حساب /

حسين كامكاري

۲۱/۱/۶۱



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران